

اهداف، اصول و روش‌های تربیت اخلاقی از دیدگاه سعدی

تاریخ دریافت مقاله: ۹۳/۴/۲۸

اسماعیل خarestانی*

تاریخ تأیید مقاله: ۹۳/۱۰/۲۰

فاطمه سیفی**

چکیده

در جهان اسلام و جامعه ما بزرگانی پا به عرصه وجود گذاشته و دارای نظریات بلندی در تعلیم و تربیت و اخلاق بوده‌اند که تحقیق و بررسی دیدگاه‌های آنها درباره تربیت اخلاقی می‌تواند ما را در ایفای وظیفه خود یاری دهد. سعدی، شاعر، ادیب و نویسنده نامدار ایرانی از آن جمله است. آشنایی سعدی با فرهنگ و معارف اسلامی رنگ و معنایی خاص به آثار او داده است. او مانند یک جامعه‌شناس به تحلیل رفتار اجتماعی انسان می‌پردازد. هدف اصلی این تحقیق بررسی اهداف، اصول و روش‌های تربیت اخلاقی از دیدگاه سعدی است. روش تحقیق توصیفی - اسنادی و جامعه تحقیق شامل منابع دست اول و دست دوم است. منظور از منابع دست اول کتاب‌هایی است که توسط شیخ اجل سعدی تألیف شده است. مسائل مربوط به تعلیم و تربیت در ضمن مطالعه آثار او فیش‌برداری شده و براساس عوامل مؤثر در تعلیم و ارکان آن، تفکیک و تنظیم شده است. منابع دست دوم نیز کتاب‌هایی است که دیگران درباره آثار سعدی، به ویژه گلستان و بوستان، نوشته‌اند. نتیجه تحقیق نشان می‌دهد که در سخنان سعدی؛ ترغیب و تشویق به فضایل و کمالات اخلاقی و دوری و اجتناب از رذایل اخلاقی فراوان دیده می‌شود. اگر افراد مطابق با روش‌هایی که او در تربیت اخلاقی توصیه کرده است، عمل نمایند و پرورش یابند به‌سوی کمال رهنمون خواهند شد.

واژگان کلیدی: تربیت اخلاقی، سعدی، اهداف، اصول، روش‌ها

* دانشجوی دکتری فلسفه تعلیم و تربیت. Email: kharestani57@yahoo.com

** کارشناس ارشد امور فرهنگی گرایش مدیریت فرهنگی. Email: f.seyfi2009@yahoo.com

۱. مقدمه

تربیت از ابتدایی‌ترین و اساسی‌ترین نیازهای زندگی بشری است و نه تنها لازمه جدایی‌ناپذیر زندگی بلکه متن آن بوده و زندگی جلوه‌ای از آن است.

انسان؛ موضوع تعلیم و تربیت و از مبانی بنیادین آن به‌شمار می‌رود. از این‌رو باید پیش از بیان آرای تربیتی هر منظر و مکتب، ساختار انسان و ویژگی‌هایی که او را از سایر حیوانات متمایز ساخته و نیز توان‌ها و استعدادهای گوناگون او شناخته شود، سپس مسائل تربیت و آرای تربیتی بیان شود. در اینجا نیز باید با استفاده از آثار سعدی، که در آن بارها از انسان سخن به میان آورده و به بیان ویژگی‌های او پرداخته، اصلی‌ترین مبنای تعلیم و تربیت، یعنی انسان را، از منظر وی بشناسیم.

سعدی هم درباره اخلاق بحث می‌کند و هم در آثار خود تربیت اخلاقی را مطرح می‌سازد. تربیت به معنای اصطلاحی کلمه نیز از نظر سعدی دور نمانده است. او درباره بعضی از مسائل تربیتی مانند اختلافات فردی، تأثیر عوامل ارثی و محیطی در رفتار فرد، نقش تنبیه و تشویق در رفتار شاگردان و همچنین رسالت دانایان و معلمان در تحکیم ارزش‌های انسانی و معنوی به بحث می‌پردازد (یونسکو، ۱۳۷۳).

سعدی در بوستان و گلستان از فضایل اخلاقی و ارزش‌های والای انسانی چون گذشت، جوانمردی، همدلی، مروت، انصاف، احسان، نیکوکاری، وارستگی، قناعت و... سخن گفته و بسیاری از باب‌های گلستان و بوستان را به تربیت اخلاقی اختصاص داده و خود را مربی اخلاق، ناصح و اندرزگو معرفی نموده است. او در این باره چنین گفته است:

خوی سعدی است نصیحت، چه کند گر نکند؟ مشک دارد نتواند که کند پنهانش
هنر سعدی در این است که با مهارت و هنرنمایی توانسته است فضایل و نصایح اخلاقی را در قالب جمله‌های زیبا، شیوا، رسا، لطیف و مسجع بریزد تا کسی که مطالعه می‌کند خسته نشود و از قبول آن سر باز نزند.

وی بر تربیت اخلاقی تأکید فراوان کرده و هدف از بعثت پیامبر اسلام (ص) و نزول قرآن را تربیت اخلاقی و تحصیل سیرت خوب دانسته، و بدخویی و رذایل اخلاقی را عامل سقوط در جهنم سوزان و عقوبت دائم به حساب آورده و در این زمینه چنین اظهار کرده است: مراد از نزول قرآن تحصیل سیرت خوب است نه ترتیل سورت مکتوب، عامی متعبد پیاده رفته است و عالم متهاون سوار خفته (سعدی، ۱۳۸۵: ۱۸۴). او همچنین می‌گوید:



بدخوی به دست دشمنی گرفتار است که هر جا رود از چنگ عقوبت وی خلاصی نیابد.
اگر ز دست بلا بر فلک رود بدخوی ز دست خوی بد خویش در بلا باشد.
(همان: ۱۷۴).

از آیات قرآن کریم و احادیث چنین برمی آید که یکی از اهداف مهم انبیا به خصوص حضرت محمد (ص)، تهذیب اخلاق و تزکیه ارواح بشری از پلیدی‌ها و گناهان بوده است. یعنی از طریق بیان دستورات و قوانین زندگی ساز و اخلاقی و در سایه به کار بستن آنها از سوی مردم، سعادت و خوشبختی را برای جامعه‌های انسانی به ارمغان آورده‌اند. ارائه نظرها و دیدگاه‌های گذشتگان به عنوان میراث فرهنگی می‌تواند در توسعه و تعمیق تربیت و تعلیم تأثیر مثبتی داشته باشد. از سوی دیگر آموزش و پرورش ما امروزه نیازمند تحول و دگرگونی بیشتری در روش‌ها و شیوه‌های تربیت و تعلیم است، آشنایی با تعلیم و تربیت در جهان امروز و به کارگیری روش‌های مثبت و برجسته آنها می‌تواند مسیر تعلیم و تربیت را هموار کند. بدین منظور در این تحقیق ابتدا اهداف تربیت اخلاقی را از دیدگاه سعدی مشخص می‌کنیم و سپس با بررسی این اهداف، اصول و روش‌های تربیت اخلاقی مشخص می‌گردد.

۲. پیشینه تحقیق

در ایران، تألیف‌ها و تحقیق‌های فراوانی درباره سعدی انجام شده ولی عمدتاً حول محور اعتبار سعدی در فن سخنوری است. بیشتر محققان، از جنبه‌های ادبی به بررسی آثار سعدی پرداخته‌اند و نویسندگان اندکی، دیدگاه‌های سعدی را نقد کرده‌اند. برخی نیز در باب تعلیم و تربیت از دیدگاه سعدی سخنی گفته یا کتابی نوشته‌اند.

باربیه دومنار در مقدمه بر ترجمه بوستان به زبان فرانسه، ظرافت هوراس، سهولت بیان زیبایی اوپه، حضور ذهن طنزآمیز رابله و سادگی اندیشه لافونتن را در سعدی جمع می‌بیند و هانری ماسه - که بوستان را شاهکار سعدی و حماسه‌ای اخلاقی خوانده است - محبوبیت سعدی را در اروپا ناشی از نوعی تجانس وی با نبوغ غربی تعبیر می‌کند (یوسفی، ۱۳۷۸).

گارسن دوتاسی می‌نویسد: «سعدی تنها نویسنده ایرانی است که نزد توده مردم اروپا شهرت دارد» شاید اینکه سعدی با مهارت بی نظیری، جد و هزل را به هم آمیخته و «نوش داری تلخ را به شهد ظرافت برآمیخته» در این شهرت بی تأثیر نباشد زیرا وی



از هر گونه موضوع سخن می‌گوید و از هر سنخ اندیشه‌ای یاد می‌کند و آثار وی برخلاف بسیاری از نویسندگان شرقی، خواننده را کسل نمی‌کند، بلکه با نکته‌ها و لطیفه‌هایی که مخصوص خود اوست، به وی ذوق و وجد تازه‌ای می‌بخشد و در برابر عظمت خود به اعجاب وامی‌دارد. این نکته، اگرچه ادوارد برون آن را تأیید نموده است، برای بیان سرّ شهرت سعدی در اروپا کافی نیست. ارنست رنان منتقد هوشیار و صاحب‌نظر فرانسوی از روی انصاف می‌گوید: سعدی واقعاً یکی از گویندگان ماست. ذوق سلیم تزلزل‌ناپذیر او، لطف جاذبه‌ای که به آثار او روح خاصی می‌بخشد، لحن سخریه‌آمیز و پرعطوفتی که با آن معایب و مفاسد جامعه انسانی را ریشخند می‌کند، این همه اوصاف که در نویسندگان شرقی به ندرت یافت می‌شود، او را در نظر ما عزیز می‌دارد. وقتی آثار او را می‌خوانند گویی با یک نویسنده اخلاق رومی، یا یک منتقد بزله‌گوی قرن شانزدهم سرو کار دارند (زرین کوب، ۱۳۸۳).

صدیق در کتاب تاریخ فرهنگ ایران، سعدی را بزرگترین مربی و معلم اخلاق عملی در ایران می‌نامد. تمام توجه سعدی به پرورش اخلاقی است و به همین جهت کمتر وارد مواد درسی شده و به کلیاتی از قبیل فرهنگ و خرد اکتفا و فقط درباره هنر و صنعت به صراحت تأکید کرده است. او در باب هفتم بوستان می‌گوید:

چو خواهی که نامت بماند به جای پسر را خردمندی آموز و رای
بیاموز پرورده را دسترنج و گر دست داری چو قارون به گنج

محمدعلی امامی در مقاله خود با عنوان «سعدی، آموزگار قرن»، دیدگاه‌های سعدی در باب تعلیم و تربیت را به شرح زیر عنوان می‌کند: هدف سعدی در تربیت پروراندن افراد با ایمان متکی به نفس است که برای خود و خانواده و جامعه خود مفید باشند و برای نیل به این هدف باید در تربیت نوآموز تعجیل کرد و او را دیندار، پرهیزگار، درستکار، فروتن و خوشخو، قانع، منصف، حق شناس، نیکوکار، دارای عزت نفس، صاحب هنر و پیشه و با سواد پرورش داد و آنانکه عالم می‌شوند باید بیش از دیگران پرهیزکار باشند (یونسکو، ۱۳۷۳).

ارجمندنیا در تحقیق خود با عنوان «راهکارهای تربیت اخلاقی در آثار سعدی» به این نتیجه رسیده است که: سعدی نقش الگوسازی، داستان سرایی، موعظه، مناظره، تشویق و تنبیه، محاسبه، پرسش و پاسخ، سیر و سیاحت، استقامت، وراثت، استعدادهای خدادادی،



محیط و غیره را در تربیت بسیار مهم می‌داند. او با استفاده از تشبیه‌های زیبا در غالب حکایت، داستان و تمثیل به بررسی تأثیر استعداد ذاتی و گوهر وجودی در تربیت می‌پردازد و قسمت عمده آثار سعدی متأثر از موضوع اخلاق و تربیت است. (ارجمند نیا، ۱۳۹۳)

۳. روش تحقیق

روش تحقیق در این پژوهش توصیفی و کتابخانه‌ای است. در این روش تحقیق از کتاب‌هایی استفاده شده است که امکان بررسی توصیفی آنها میسر باشد.

۴. مفاهیم و اصطلاحات

۱.۴. تربیت

«تربیت» به مفهوم عام آن، شامل جنبه‌های گوناگون جسمانی، روانی، عاطفی، عقلانی، اجتماعی، اخلاقی و دینی است و هر یک از این ابعاد به لحاظ روان‌شناختی و تربیتی در زندگی انسان اهمیت فراوان دارد. در دوره نخست زندگی، توجه به پرورش و رشد هماهنگ و منظم ابعاد وجودی کودک لازم است؛ به گونه‌ای که اگر در بعضی ابعاد، دچار نارسایی شود و یا احیاناً رشد مطلوب نباید در آینده دچار مشکل خواهد شد. تحقق این امر، مسئولیت بزرگی است که بر دوش مربیان کودک و نوجوان، اعم از والدین، آموزگاران و دست‌اندرکاران امور تربیتی مدارس، گذاشته شده است (شریعتمداری، ۱۳۹۰: ۱۹۱-۱۹۲).

۲.۴. اخلاق

واژه اخلاق همانند دو واژه Moral و Ethics دو کاربرد متمایز دارد: گاهی اخلاق به معنی خلق و خوی، رفتار عادت شده و مزاج به کار می‌رود، همانگونه که در دو واژه انگلیسی یاد شده استعمال می‌شود، و گاهی به معنای عادت و سجیه و Custom به کار می‌رود. معنای دیگر این واژه‌ها دانشی است که از حسن و قبح و خوبی و بدی رفتار بحث می‌کند. اخلاق حرفه‌ای نیز به دو معنا اطلاق می‌شود: خلق و خوی حرفه‌ای و دانشی که از مسائل اخلاق حرفه‌ای در کسب و کار بحث می‌کند (قراملکی، ۱۳۸۲: ۵۶).

۳.۴. تربیت اخلاقی

تربیت اخلاقی بعدی از تربیت است که هر فرد برای خود و شاید بیش از آن برای فرزندان خود می‌طلبد و جویای طریق و روشی است که این مهم را میسر سازد، ولی انجام آن با مشکلات زیادی همراه است و آن کس که در این راه قدم نهاده باشد، به یقین پی برده است که راهی دشوار و پرپیچ و خم در پیش دارد و این نوع تربیت خواسته و یا ناخواسته جریان دارد و نمی‌توان آن را به مکانی خاص محدود کرد. فضایل اخلاقی عبارت است از: رسیدن خیر به شخص و این ممکن نیست مگر آنکه انسان ابتدا خیر را برای دیگران بخواهد (میرزامحمدی، ۱۳۸۴).

۴.۴. اهداف

هدف نقطه‌ای است که قصد رسیدن به آن را داریم و منظور از اهداف تربیتی مجموعه‌ای از اعمال آموزشی است که ما را قادر می‌سازد به آن نقطه برسیم (فرمهبینی فراهانی، ۱۳۷۸).

۵.۴. اصول

اصل مفهومی کلی است و ملاک و معیار واقع می‌شود. بنابراین نمی‌تواند امری جزئی و دارای یک مصداق معین باشد (شاتو، ۱۳۸۸: ۱۹۴).
اصول به دستورالعمل‌های کلی گفته می‌شود که بر مبانی مبتنی‌اند (باقری، ۱۳۷۴: ۶۴).
بنابراین اصل، سلسله قواعد و معیارهای کلی (بایدها) است که متناسب با ظرفیت‌های انسان انتخاب و به‌منظور تعیین روش‌ها برای دستیابی به اهداف، مورد توجه قرار می‌گیرند.

۶.۴. روش

مراد از روش، راهی است که میان اصل و هدف قرار دارد و عمل تربیتی را منظم می‌کند و به هدف می‌رساند (احمدی، ۱۳۸۰: ۱۴۹).

۵. نکته‌های بنیادین در تربیت اخلاقی از دیدگاه سعدی

سعدی بر دو نکته بنیادین در تربیت اخلاقی تأکید کرده است:

۱. **زمان آغاز تربیت اخلاقی:** سعدی نفس آدمی را خوب می‌شناسد و بر این باور است که تربیت اخلاقی باید از آغاز کودکی شروع شود، زیرا اگر خوی بد در نفس آدمی استقرار یافت به آسانی نمی‌توان آن را پاک ساخت.



خوی بد در طبیعتی که نشست نرود جز به وقت مرگ از دست

(سعدی، ۱۳۷۷: ۱۰۶)

۲. استعانت از دانایان: سعدی تربیت اخلاقی را به داشتن مربی متوقف دانسته،

برای مربی اخلاق شرایط ویژه‌ای قائل شده است و می‌گوید مربی اخلاق علاوه بر اهل فضل و معرفت بودن باید اهل عمل صالح، راست گفتار، درست کردار نیز باشد و بیش از دیگران نفس خود را تربیت کرده و بر نفس خود غالب شده باشد.

ای که دانش به مردم آموزی آنچه گویی به خلق، خود بنیوش
خویش را علاج می‌کنی باری از عیب دیگران خاموش

(همان، ۱۳۸۵: ۸۵۴)

دامن آلوده اگر خود همه حکمت گوید به سخن گفتن زیباش بدان به نشوند
وان که پاکیزه رود گر بنشیند خاموش همه از سیرت زیباش نصیحت شنوند

(همان: ۸۸۰)

۶. اهداف تربیت اخلاقی از دیدگاه سعدی

۱.۶. خداجویی

یکی از ویژگی‌های انسان، خداجویی است. سعدی با استناد به آیه شریفه «نَفَحْتُ فِیْهِ مِنْ رُوحِی» (حجر: ۲۹) بر این باور است که در درون آدمی گوهری تعبیه شده است که او را به خدا می‌رساند، به شرط اینکه دل را از غبار تیرگی و خودپرستی به دور دارد تا نور خداوندی در آن بتابد که از آدمی تا خدا بیش از یک قدم راه نیست جوانمرد از تو تا خدا یک قدم راه است، دانی چه کنی بگویم یا نه؟ خود را فراموش کن و با لطف حق دست در آغوش کن (همان: ۳۱).

از دل برون شو ای غم دنیا و آخرت یا خانه جای خواب بود یا مجال دوست
خواهم که بیخ صحبت اغیار برکنم در باغ دل رها نکنم جز نهال دوست
سعدی حجاب نیست تو آینه پاک دار زنگار خورده چون بنماید جمال دوست

(همان: ۸۲۱)

اگر آینه از آه گردد سیاه شود روشن آینه دل به آه

(سعدی، ۱۳۸۷، ۱۷۱ و ۱۹۳)



۲.۶. یگانه پرستی و پرستش خدا

سعدی در ابتدای دیباچهٔ گلستان می‌فرماید: «منت خدای را عزوجل که طاعتش موجب قربت است و به شکرانه‌اش مزید نعمت، هر نفسی که فرو می‌رود ممد حیات است و چون برمی‌آید مفرح ذات، پس در هر نفسی دو نعمت موجود است و بر هر نعمتی شکر واجب».

از دست و زبان که برآید کز عهده شکرش به درآید

شیخ اجل سعدی در باب هفتم گلستان در باب «تأثیر تربیت» می‌فرماید:

حکایت یکی را شنیدم از پیران مری که مریدی را همی گفت: ای پیر چندان که تعلق خاطر آدمی زاده به روزی است اگر به روزی ده بودی به مقام ملائکه درگذشتی.

فراموش نکرد ایزد در آن حال که بودی نطفه‌ای مدفون و مدهوش

روانت داد و طبع و عقل و ادراک جمال و نطق و رای و فکرت و هوش

ده انگشتت مرتب کرد بر کف دو بازویت مرکب کرد از دوش

کنون پنداری ای ناچیز همت که خواهد کردنت روزی فراموش»

(سعدی، ۱۳۷۷: باب هفتم).

این حکایت نمونه‌ای از اهمیت دادن شیخ اجل سعدی به خداشناسی و پرستش ذات اوست. مری باید روحیهٔ خداپرستی و عبودیت را در متعلمین ایجاد کند و حب خداپرستی و بندگی را در سایهٔ علم و عمل در متعلم به‌وجود آورد.

۳.۶. خدمت به خلق

خدمت به خلق پاسخ‌گویی برای نیازهای انسان‌های هم‌نوع و برادران هم‌وطن است. پیامبران الهی که برای ایفای رسالت از سوی ذات باری تعالی مبعوث شدند حرفی جز خدمت به انسان‌ها و هدایت آنان به ذات الهی و رساندن به سعادت نداشتند. تعلیم و تربیت کودکان و جوانان و انتقال مفاهیم علمی و آموزش عملی، خود نوعی خدمت به فرزندان جامعه و خلق است.

شیخ اجل سعدی در باب اول کتاب بوستان می‌فرماید:

عبادت به جز خدمت خلق نیست به تسبیح و سجاده و دلق نیست

تو بر تخت سلطانی خویش باش به اخلاق پاکیزه درویش باش

به صدق و ارادت میان بسته دار ز طامات و دعوت زبان بسته دار

قدم باید اندر طریقت نه دم که اصلی ندارد دم بی قدم
بزرگان که نقد صفا داشتند چنین خرقه زیر قبا داشتند

(همان، ۱۳۸۷: ۲۲۴).

عبادت خداوند تبارک و تعالی فقط به خواندن نماز و تسبیح و دلق نیست، بلکه کمک به مردم هم از دیدگاه سعدی عبادت محسوب می‌شود. سعدی به افرادی که عبادت را فقط در گوشه‌ای نشستن و یا مراجعه به مساجد و نماز خواندن می‌دانند، اعلام می‌کند که خدمت به خلق هم عبادت است. این رأی و نظر را شاید با توجه به شرایط زمان خود، که ریا و سالوس دینداری بوده است، عنوان می‌کند و درباره این موضوع آگاهی می‌دهد.

۷. اصول تربیت اخلاقی از دیدگاه سعدی

مربیان، معلمان و اولیای متربیان و برنامه‌ریزان تعلیم و تربیت برای دستیابی به مقاصد و اهداف تعلیم و تربیت باید قواعد و اصولی را پایه و اساس تعلیم و تربیت قرار دهند و روهای مناسب آن اصول را برگزینند تا به اهداف مورد نظر برسند. در اینجا به برخی اصول تربیت اخلاقی از دیدگاه سعدی اشاره می‌شود.

۱.۷. نوع دوستی و برادری

شیخ اجل در حکایتی از باب اول گلستان می‌فرماید: «بر بالین تربت یحیی پیغمبر علیه السلام معتکف بودم در جامع دمشق...» او همچنین در اشعار و ابیات و حکایات زیادی یکی از اهداف تربیتی و اخلاقی را نوع دوستی و برادری می‌داند. مانند این ابیات معروف:

بنی آدم اعضای یکدیگرند که در آفرینش ز یک گوهرند
چو عضوی به درد آورد روزگار دگر عضوها را نماند قرار
تو کز محنت دیگران بی غمی نشاید که نامت نهند آدمی

(همان، ۱۳۷۷: ۲۷).

۲.۷. مبارزه با خواسته‌های نفسانی

مبارزه با نفس و خواسته‌های آن در اشعار سعدی نشانگر توجه او به تربیت اسلامی و رعایت احکام آن در پیروی از فرامین الهی است.



پدر چون دور عمرش منتفی گشت
که شهوت آتش است از وی بپرهیز
در آن آتش نداری طاقت سوز
به صبر آبی براین آتش زن امروز
ما پیرانه پندی داد و بگذشت
به خود برآتش دوزخ مکن تیز

(همان: ۱۹۰).

نفس اماره تعادل عقل را به هم می‌زند و در میدان تمایلات و خواسته‌های نفسانی تازه می‌شود و کسی جلودارش نیست زیرا ارضای خواسته‌های نفسانی با توجه به طبیعت ما پایانی ندارد و در صورتی که به نفس اماره لبیک گفته شود همواره هل من مزید می‌طلبد و این تعلیم و تربیت است که قوای عقلانی را تقویت و عقل را بر خواسته‌های نفسانی حاکم می‌کند. بنابراین چنانچه حکومت عقل بر نفس به‌عنوان یک هدف تربیتی تلقی شود، سلامت جامعه تضمین می‌شود. جامعه‌ای که عقل بر آن حاکم شود از هرگونه فساد خالی است، اگرچه ظاهراً چنین جامعه‌ای ایدئال است ولی انسان باید برای رسیدن به یک جامعه ایدئال تلاش کند.

۳.۷. تذکر

اصل تذکر بیانگر آن است که گاه باید آنچه را فرد به آن علم دارد برای او باز گفت. طبق اصل حاضر، این سخت مردود است که گفتن یا شنیدن همواره باید معطوف به «حرف تازه» باشد.

پاره‌ای از دشواری‌های انسان زاده نادانی و پاره‌ای دیگر زاده نسیان و فراموشی است (باقری، ۱۳۷۴).

طبق اصل تذکر، روش‌های تربیتی باید چنان فراهم آیند که به آگاهی‌های فرد طراوت و تحرک بخشند و رغبت عمل را برانگیزند. روش و شیوه مهم ابراز آن عبرت‌آموزی و موعظه و پند و اندرز است و سعدی هم از این دو روش استفاده کرده است.

سعدی در بوستان و گلستان از روش موعظه و نصیحت بهره جسته و با لحنی صمیمی گروه‌های مختلف مردم را نصیحت و آنان را به نیکی و فضیلت دعوت کرده است.

نصیحت که خالی بود از غرض
چو داروی تلخ است دفع مرض
سعدی از روش عبرت‌آموزی در نظم و نثر استفاده کرده است و ما را به عبرت‌آموزی فرامی‌خواند.

او درباره عبرت‌آموزی از زندگی گذشتگان، رویدادهای تکوینی و اجتماعی، ناپایداری

دنیا، رویش گیاهان و فرسایش طبیعت و مرگ انسان‌ها سخن می‌گوید.
این همه رفتند و ما ای شوخ چشم هیچ نگرفتیم از ایشان اعتبار
۴.۷. تدریج و تداوم

سعدی بر این باور است که تدریج و تداوم از اصول مسلم تربیت نفس است و پیوسته باید از آئینه نفس غبارزدایی شود. در غیر این صورت توقع صفای نفس بیهوده است. بدیهی است که انجام یک و یا چند عمل نیک نمی‌تواند شخصیت آدمی را بسازد بلکه تداوم و تکرار رفتار و کردار به تدریج و در طول زمان شخصیت او را قالب می‌زند. پیایی بیفشان از آئینه گرد که مصقل نگیرد چو زنگار خورد

(سعدی، ۱۳۸۷: ۱۷۱)

تأمل در آئینه دل کنی صفائی به تدریج حاصل کنی

(همان: ۲۵)

او دربارهٔ عدم تداوم، تکرار و تدریج می‌گوید:

به چشم خویش دیدم در بیابان که آهسته سبق برد از شتابان
سمند بادپای از تگ فروماند شتریان همچنان آهسته می‌راند

(همان، ۱۳۷۷: ۱۷۶).

و می‌گوید: کسی که هر بار کم می‌خورد و به کم خوردن عادت می‌کند، کم‌خوری برای او طبیعت ثانوی می‌گردد و هنگامهٔ سختی را به‌آسانی تحمل می‌کند.

۵.۷. اعتدال

عدالت و عادلانه رفتار کردن، صفتی الهی است. در خانواده و در تربیت فرزند نیز عدالت نقش مهمی دارد.

والدین باید میان فرزندان خود تفاوت و تبعض نهند و از تمام جهات با آنان عادلانه رفتار کنند. پیامبر اسلام (ص) فرموده است: میان فرزندان (در پنهانی و ظاهر) مساوات و عدالت برقرار کنید، همان‌طور که دوست دارید در خوبی‌ها و نیکی‌ها با شما به عدالت رفتار شود.

سعدی در مورد رعایت عدالت، در محبت کردن به فرزندان می‌گوید: «ملک‌زاده‌ای را شنیدم که کوتاه بود و حقیر و دیگر برادرانش بلند و خوب‌روی، باری پدر به کراهیت و استحقار در وی نظر همی کرد. پسر فراست و استبصار به‌جای آورد و گفت: ای پدر کوتاه



خردمندان به از نادانان بلند، نه هرچه به قامت مهتر به قیمت بهتر» (سعدی، ۱۳۷۷: ۵۹).
از نظر سعدی تفاوت‌های ظاهری نباید باعث شود که والدین در محبت کردن به فرزندان خود عدالت را رعایت نکنند.
محبت و مهربانی و احترام به کودک شایسته و پسندیده است، اما پدران و مادران و مربیان باید بدانند که افراط و تفریط در این مورد، مضر خواهد بود.

۸. روش‌های رسیدن به اهداف تربیت اخلاقی از دیدگاه سعدی

روش‌های تعلیم و تربیت پس از تعیین اهداف آن اعمال می‌شود، روش باید حساب شده و کاربردی و همه‌جانبه تدوین شود. مربی با ارائه روش درست می‌تواند به اهداف تعیین شده برسد.

سعدی در مجموعه آثار خود، در قالب حکایات و داستان‌ها به روش‌هایی تأکید داشته است که در این قسمت به پاره‌ای از آنها اشاره و در صورت لزوم اشعار و حکایات کتاب‌های گلستان و بوستان و سایر آثار سعدی به تناسب، ارائه می‌شود تا برای پژوهشگران و خوانندگان محترم شیوه و روش کار سعدی تا حدودی مشخص شود.

۱.۸. فروتنی و تواضع

سعدی باب چهارم کتاب بوستان را به نام «تواضع» نام‌گذاری کرده است و در

حکایتی می‌گوید:

بزرگان نکردند در خود نگاه	خدابینی از خویش‌بین خواه
بزرگی به ناموس و گفتار نیست	بلندی به دعوی و پندار نیست
تواضع سر رفعت افرازدت	تکبر به خاک اندر اندازدت
به گردن فتد سرکش تندخوی	بلندیت باید بلندی مجوی

(سعدی، ۱۳۸۷)

سعدی انسانی را که فاقد تواضع است، حتی اگر به زیور علم و هنر و ایمان نیز آراسته باشد، تأیید نمی‌کند و داشتن تواضع را در معنی پذیرفتن نقاط ضعف و کوشش در رفع و اصلاح آنها دانسته و این موضوع را شرط رسیدن به مقام انسانیت تلقی می‌کند:

کله گوشه بر آسمان برین	هنوز از تواضع سرش بر زمین
گدا گر تواضع کند خوی اوست	ز گردن‌فرازان تواضع نکوست



اگر زیردستی بیفتد چه خاست؟ زیر دست افتاده مرد خداست
در خاک بیلقان برسیدم به عابدی گفتم مرا به تربیت از جهل پاک کن
گفتا برو چو خاک تحمل کن ای فقیه یا هرچه خوانده‌ای همه در زیر خاک کن
(آزادی، ۱۳۷۳: ۵۷).

۲.۸. دوستی با سایر ملل

سی سال زندگی دور از شیراز و سیاحت در کشورهای مختلف علاوه بر اینکه سعدی را با آداب و رسوم و زندگی ملل دیگر آشنا کرد بلکه دوستی با آنها را هم به‌عنوان یک هدف تربیتی در آثارش نمودار ساخت. سعدی در تمام گلستان و بوستان از زبان مردم و ملل دیگر سخن می‌گوید: «در جامع بعلبک وقتی کلمه‌ای همی گفتم به طریق وعظ با جماعتی افسرده دل مرده، ره از عالم صورت به عالم معنی نبرده، دیدم که نفسم در نمی‌گیرد، و آتشم در هیزم تر اثر نمی‌کند دریغ آدمم تربیت ستوران و آیینه‌داری در محلت کوران، ولیکن در معنی باز بود و سلسله سخن دراز. در معانی این آیت که «نحن اقرب الیه من حبل الوریث» سخن به جایی رسانیده که گفتم:

دوست نزدیک تر از من به من وینت مشکل که من از وی دورم
چه کنم با که توان گفت که او در کنار من و من مهجورم

(سعدی، ۱۳۷۷: ۶۳).

بسیاری از حکایت‌های سعدی، حاصل از تجربیات او در سی سال سفر در میان ملل مختلف دنیاست. بنابراین می‌توان دوستی با ملل دیگر را به‌عنوان هدف تربیتی تلقی نمود.

۳.۸. ابراز محبت

محبت علاوه بر اینکه نیاز طبیعی انسان است، مهم‌ترین عامل سلامت روح او نیز به‌شمار می‌رود و فقدان آن موجب ناهنجاری‌های روانی است. بنابراین تعلیم و تربیت مبتنی بر اصل محبت، سازنده و موفق و تأثیرگذار خواهد بود.

در نظر سعدی نه تنها انسان بلکه همه موجودات زنده از نبات و حیوان حق دارند که مورد مهرورزی قرار گیرند:

به اخلاق با هر که بینی اگر زیر دست و گر سرافراز (سعدی، ۱۳۸۷: ۷۸).
رفتگان را به لطف باز نه به چنگش بهتر بیازارند (همان: ۱۲۲).

آنچه در تعلیم و تربیت اهمیت دارد دلبستگی متقابل مربی و متربی است و ابراز

محبت نیز برای پیدایش دل‌بستگی است و دل‌بستگی متقابل برای معلم و متعلم ایجاب می‌کند که بدون پرده‌پوشی عیوب و کاستی‌ها بیان شود و راه کمال مسدود نشود، نه اینکه عیب را هنر بنمایانیم.

۴.۸. تلفیق علم و عمل

مربی و معلم چه به تدریس اخلاق بپردازد و چه به آموزش مطالب علمی همت بگمارد، باید گفتار و کردار او هماهنگ باشد. معلم باید در زمینه اخلاقی نمونه باشد و آنچه را که توصیه می‌کند عملاً در رفتار خود منعکس سازد. علاوه بر این در برخورد با مسائل علمی نیز معلم باید روح عملی یا تفکر علمی را در رفتار خود منعکس سازد. او باید از اظهار نظرهای سطحی، تحجر، تعصب و برخورد غیر منطقی با مطالب پرهیز کند. آنچه از تحقیقات تربیتی به‌دست آمده، مؤید این حقیقت است که شاگرد از عمل مربی پیروی می‌کند و در موقع ناسازگاری گفتار با کردار، آنچه در رفتار شاگرد تأثیر دارد عمل معلم است. اصولاً اعتبار معلم نزد شاگرد به هماهنگی گفتار و کردار بستگی دارد. سعدی در حکایت ۳۷ گلستان به این نکته اشاره کرده است:

«شخصی پدر را گفت: هیچ از سخنان متکلمان در من اثر نمی‌کند. سبب آن که نمی‌بینم از ایشان کرداری موافق گفتار.

ترک دنیا به مردم آموزند
خویشتن سیم و غله اندوزند
عالمی را که گفت باشد و بس
هرچه گوید نگیرد اندر کس
عالم آن کس بود که بد نکند
نه بگوید به خلق و نه خود نکند

«أَتَأْمُرُونَ النَّاسَ بِالْبِرِّ وَتَنْسَوْنَ أَنْفُسَكُمْ» (بقره: ۴۴).

عالم که کامرانی و تن‌پروری کند
او خویشتن گم است که را رهبری کند
از نظر سعدی، علمی که با عمل توأم نباشد نمی‌تواند در جامعه مؤثر باشد. «عالم

بی‌عمل درخت بی‌ثمر است» (سعدی، ۱۳۸۷)

۵.۸. پند و اندرز

در کتاب گلستان، باب هشتم در آداب صحبت، بیشتر مطالب جنبه پند و اندرز و نصیحت دارد و در حقیقت این فصل شاید منشوری باشد در زمینه پند و اندرز که هر جمله آن دنیایی معنی به دنبال دارد که در اینجا به مواردی از آن اشاره می‌شود.
«دو کس رنج بی‌پهوده بردند و سعی بی‌فایده کردند، یکی آنکه اندوخت و نخورد و

دیگر آنکه آموخت و نکرد

علم چندانکه بیشتر خوانی
نه محقق بود نه دانشمند
آن تهی مغز را چه علم و خبر
علم از بهر دین پروردن است
هر که پرهیز علم و زهد فروخت
خرمنی گرد کرد و پاک بسوخت.

در این حکایت می‌فرماید علم باید بهره دهد و زکات آن انتشار است و تمام تلاش‌های کسی که بیاموزد و عالم بشود و حرمنی برای خود فراهم کند و از علم بهره ندهد بر باد می‌رود. «مال از بهر آسایش عمر است نه عمر از بهر گرد کردن مال، عاقلی را پرسیدند نیکبخت کیست و بدبختی چیست؟ گفت: نیکبخت آن که خورد و کشت و بدبخت آن که مرد و هشت.

مکن نماز بر آن هیچکس که هیچ نکرد
که عمر در سر تحصیل مال کرد و نخورد»
(سعدی، ۱۳۷۷: ۱۸۳).

«ملک از خردمندان جمال گیرد و دین از پرهیزگاران کمال یابد. پادشاهان به صحبت خردمندان در آن محتاج‌ترند که خردمندان به قربت پادشاهان.

پندی اگر بشنوی ای پادشاه
در همه عالم به از این پند نیست
جز به خردمند مفرما عمل
گرچه عمل کار خردمند نیست»

(همان: ۱۸۴).

«به دوستی پادشاهان اعتماد نتوان کرد و بر آواز خوش کودکان که آن به خیالی»
می‌بینیم که سعدی تمام این نصایح را به‌عنوان روش کاربردی و نافذ بیان می‌کند.

۶.۸. بیان سرگذشت اقوام و ملل به صورت قصه و داستان

بیان مسائل از زبان قصه و داستان روشی دلپذیر برای متعلم است. شیخ اجل سعدی در آثار خود از این روش استفاده کرده است. او در حکایتی در باب هفتم بوستان داستان مردی را بیان می‌کند که در هنگام جنگ ناسزا گفت و چون نتوانست جلو زبان خود را بگیرد، دچار آفت و زیان شد. سعدی در این داستان در اثبات «زبان سرخ سر سبز می‌دهد بر باد» این چنین نتیجه می‌گیرد:

(الف) اگر دهان بسته بود این‌گونه پریشان پیراهن دریده در گوشه‌ای نمی‌افتاد.



ب) زبان مانند آتشی است و می‌توان با آبی در نفس کشت.

ج) هنر خود مبین توانایی مرد است و لازم نیست مرد هنر خود را تبلیغ کند.

د) مشک آن است که خود ببوید، نه آنکه عطار بگوید.

ه) برای ارائه زر مغربی نیاز به سوگند نیست، محک مشخص می‌کند.

ز) اگر از سعدی لباس و پوستینش را بدرند ممکن است ولی طاقت نیست مغزش

را ببرند و اما آن داستان:

گریبان دریدند وی را به چنگ

جهان‌دیده‌ای گفتش ای خودپرست

دریده ندیدی چو گل پیرهن

چو طنبور بی مغز بسیارلاف

به آبی توان کشتنش در نفس

هنر خود بگوید نه صاحب هنر

ورت هست خود فاش گردد به بوی

چه حاجت محک خود بگوید که چیست

که سعدی نه اهل است و آمیزگار

که طاقت ندارم که مغزم برند

(سعدی، ۱۳۸۷: ۳۵۳)

یکی ناسزا گفت در وقت جنگ

قضا خورده عریان و گریان نشست

چو غنچه گرت بسته بودی دهن

سراسیمه گوید سخن بر گزاف

نبینی که آتش زبان است و بس؟

اگر هست مرد از هنر بهره ور

اگر مشک خالص نداری مگوی

به سوگند گفتمی که زر مغربی است

بگویند از این حرف گیران هزار

روا باشد از پوستینم درند

سعدی نکات اجتماعی را به زبان شعر چنان ترسیم می‌کند و برای هر موضوع در

یک شعر چنان نتیجه می‌گیرد که اگر بنا باشد آن موضوع در صفحات متعدد تشریح

شود، به زیبایی یک بیت او نباشد و این مهارت توانمندی و استادی سعدی در بیان

مسایل است؛ به ویژه اینکه هدف او از ذکر این داستان، اثبات بعضی از مسایل اجتماعی

است که در میان مردم و در فرهنگ جامعه وجود دارد. سعدی بر آن است تا با روش

داستان‌سرایی و بیان قصه و داستان از زبان ملل به نتایج تربیتی مطلوب برسد.

۷.۸. الگوسازی

مربیان و معلمان و اولیاء و باید با رفتار و کردار و گفتار درست خود الگوسازی کنند

و از این طریق عملاً متربیان را به پیروی از رفتار مطلوب خود بخوانند. سعدی به عنوان

مربی اخلاق از این روش پسندیده بهره برده و الگوهای مطلوب خود را در ضمن بیان

حکایات، مدایح و ستایش‌ها نشان داده، و سجایای آنان را ترسیم کرده و عملاً الگوسازی را عینیت بخشیده است.

وی درباره حضرت علی (ع) و الگوسازی از آن حضرت می‌فرماید:

«کس را چه زور و زهره که وصف علی کند جبار در مناقب او گفته هل اتی
زور آزمای قلعه خیبر که بند او در یکدیگر شکست به بازوی لافتی
فردا که هر کسی به شفیع زبند دست مائیم و دست و دامن معصوم مرتضی»
(همان، ۱۳۸۵: ۴۴۰).

۸.۸. عبرت‌آموزی

عبرت‌آموزی گذر کردن از امور پیدا و رخدادهای مشهود و رسیدن به ناپیداها به منظور اصلاح و تکمیل و تکامل حیات معقول آدمی است. حوزه عبرت‌آموزی گسترده است؛ از قوانین و سنت‌های تکوین آغاز و به آثار به‌جامانده از پیشینیان و رخدادها مربوط به آنان منتهی می‌شود.

سعدی از رویش گیاهان، زیبایی بوستان، طراوت اشجار، رنگ‌آمیزی میوه‌ها و نیز از فرسایش طبیعت، برگ‌ریزان و مرگ انسان‌ها درس عبرت می‌گیرد و جملات زیبای خود را در قالب نظم و نثر می‌ریزد و ما را به عبرت‌آموزی فرامی‌خواند:

«این همه نفس عجب بر در و دیوار وجود هر که فکرت نکند نقشی بود بر دیوار
کوه و دریا و درختان همه در تسبیحند نه همه مستمعی فهم کنند این اسرار»
(همان: ۴۵۴).

۹.۸. خودسازی

نیایش و محاسبه نفس دو روش از روش‌های خودسازی در ذیل آورده می‌شود. عالمان اخلاق و عارفان والامقام براین باورند که گام نخست در تهذیب نفس و خودسازی، پیراستگی از گناه و ردایل نفسانی است. سعدی نیز نیایش و تضرع و ابتهال و توبه و ندامت از گناه را از عوامل مهم کمال و رشد معنوی می‌داند و می‌گوید:

«بران از دو سرچشمه دیده جوی و ر آرایش داری از خود بشوی»

(همان، ۱۳۸۷: ۱۸۹).

«گر آینه از آه گردد سیاه شود روشن آینه دل به آه
بترس از گناهان خویش این نفس که روز قیامت نترسی ز کس» (همان: ۱۹۳).



۱۰.۸. محاسبه نفس

یکی از روش‌های تربیتی که ناظر به اصل تدریج و تداوم است؛ محاسبه نفس نام دارد.

محاسبه، به حساب نفس خویش رسیدن و گفتار، رفتار و کردار و زندگی خود را ارزیابی کردن است. بی‌گمان مؤثرترین روشی که می‌تواند آدمی را به کمال نزدیک سازد و او را از بیراهه رفتن باز دارد، این است که پیش از اینکه دیگران به حساب او برسند او به حساب خویش برسد و پیوسته اعمال و رفتار و زندگی خود را ارزیابی کند و بر اعمال نیک خود خداوند را سپاس گوید و اگر کار زشت و رفتار ناشایست مرتکب شده است، از خداوند آمرزش بخواهد و در تصحیح گفتار و رفتار خود بکوشد. عالمان اخلاق و عارفان بر این روش بسیار تأکید ورزیده‌اند. سعدی نیز در این باره می‌گوید پیش از آنکه دیگری در حساب تو سخت گیرد تو به حساب خود برس. او یک شب درحالی که بر ایام گذشته و عمر تلف کرده خود تأسف و حسرت می‌خورده، چنین سروده است:

«هر دم از عمر می‌رود نفسی
چون نگه می‌کنم نماند بسی
ای که پنج‌گانه رفت و در خوابی
مگر این پنج روز دریایی
خجل آن کس که رفت و کار نساخت
کوس رحلت زدند و بار نساخت
برگ عیشی به گور خویش فرست
کس نیارد ز پس، ز پیش فرست»
(همان، ۱۳۷۷: ۴).

۱۱.۸. احترام به والدین

«وقتی به جهل جوانی بانگ بر مادرم زدم، دل آزده به کنجی نشست و گریان
همی‌گفت: مگر خردی فراموش کردی که درشتی می‌کنی؟»

چه خوش گفت زالی به فرزند خویش
چو دیدش پلنگ‌افکن و پیلتن
گر از عهد خریدیت یاد آمدی
که بیچاره بودی در آغوش من
نکردی در این روز بر من جفا
که تو شیرمردی و من پیرزن»
(همان: ۱۵۲).

«جوانی سر از رای مادر بتافت
دل دردمندش به آذر بتافت
چو بیچاره شد پیشش آورد مهد
که ای سست مهر فراموش عهد
نه گریان و درمانده بودی و خرد
که شبها ز دست تو خوابم نبرد»



نه در مهد نیروی و حالت نبود
تو آنی که از یک مگس رنجه‌ای
بحالی شوی باز در قعر گور
دگر دیده چون برفروزد چراغ
چو پوشیده‌چشمی ببینی که راه
تو گر شکر کردی که با دیده‌ای
معلم نیاموختت علم و رای
گرت حق ندادی دل حق نیوش

مگس راندن از خود مجالت نبود
که امروز سالار و سرپنجه‌ای
که نتوانی از خویشان دفع مور
چو کرم لحد خورد پیه دماغ
ندانند همی وقت رفتن ز چاه
و گرنه تو هم چشم پوشیده‌ای
سرشت این صفت در نهادت خدای
حقت عین باطل نمودی بگوش»
(همان، ۱۳۸۷: ۷۱۵-۷۱۶).

۱۲.۸. تحقیر نکردن دیگران

سعدی در گلستان می‌گوید: «پارسایی بر یکی از خداوندان نعمت گذر کرد که بنده‌ای
را دست و پای بسته عقوبت همی کرد. گفت: ای پیر، همچو تو مخلوقی را خدای، عزوجل،
اسیر حکم تو گردانیده است و تو را برای فضیلت نهاد، شکر نعمت باری (تعالی) بجای آر و
چندین جفا بر او میسند شاید که فردای قیامت به از تو باشد و شرمساری بری.

بر بنده مگیر خشم بسیار
او را تو به ده درم خریدی
این حکم و غرور و خشم تا چند؟
ای خواجه ارسلان و آغوش
جورش مکن و دلش میازار
آخر نه به قدرت آفریدی
هست از تو بزرگ‌تر خداوند
فرمانده خود مکن فراموش»
(همان، ۱۳۷۷: ۱۶۰-۱۶۱).

نتیجه‌گیری

به باور سعدی اگر شخصیت تربیت‌شونده به‌طور نامطلوبی شکل گرفته باشد، در آن
صورت ایجاد تغییرات در رفتار او مشکل است، مگر اینکه زمینه اصلاح را داشته باشد.
ایشان گفتار و کردار والدین و معلمان را عامل اصلی در تربیت کودک و آموزش موازین
اخلاقی می‌داند و بر این عقیده است که هماهنگ نبودن گفتار و کردار معلم، باعث عدم
پذیرش توصیه‌های تربیتی و اخلاقی از جانب کودک می‌شود.

همه توجه سعدی در برنامه‌دستی و تعلیم و تربیت، به پرورش اخلاقی است. این

مربی بزرگ هم دربارهٔ اخلاق بحث می‌کند و هم در آثار خود تربیت به معنای اصطلاحی کلمه را در نظر دارد. وی علاوه بر محیط و توارث عوامل دیگری را نیز در تعلیم و تربیت موثر می‌داند از آن جمله: جوهره، هویت شخصی، خواسته و تمایلات، تجربه و زمان. در اخلاق چیزی که انسان را از آنچه لازمهٔ آدمیت است دور می‌کند، مایهٔ نفرت سعدی است. عشق او نیز در حقیقت اخلاق و تقوا و درد و سوز و گذشت و تسلیم است.

به عقیدهٔ وی آنهایی که تربیت‌پذیرند و زمینهٔ ذهنی دارند باید تربیت شوند و در پرورش آنان که همه چیز را به سخره می‌گیرند و یا کبر و خودخواهی و تحجر موجب عدم تأثیر تربیت در آنان می‌شود، زحمت بیهوده نباید کشید.

سعدی دین را در اعمال عبادی خلاصه نمی‌داند بلکه معتقد است که دین سراسر زندگی انسان و تمامی ابعاد اجتماعی، اقتصادی، فرهنگی، سیاسی و... را دربرمی‌گیرد.

این معلم اخلاق و تربیت به نقش آموزش و پرورش در تربیت کودک واقف بوده و در آثار ارزشمند خود به نقش آموزش در امور مختلف مانند آداب غذا خوردن، رعایت موازین بهداشتی و آموختن کار و حرفه (هنر) پرداخته است و آموزش این امور به فرزندان را از اساسی‌ترین کارهایی می‌داند که باید در دوران پر بار کودکی به او آموخت تا جزء سرشت و خوی وی شود. به نظر سعدی منظور از آموزش و پرورش آن است که کودک را باید با دیانت، پرهیزگار، خردمند و سخن‌دان بار آورند و چنان تربیت کنند که در بزرگی دست حاجت پیش کسی دراز نکند. وی به این نکته اشاره دارد که تحصیلات به تنهایی کافی نیست، بلکه باید با عمل توأم باشد تا کودک بتواند آن را به خوبی بیاموزد. قبل از سعدی، معصومان (ع) و به خصوص نبی مکرم اسلام (ص) این موضوع را مورد سفارش قرار داده‌اند. مربیان و اندیشمندان معاصر نیز توجه به کودک در سنین خردسالی را عامل موفقیت در بزرگسالی می‌دانند.

سعدی نقش معلم و مربی را در تربیت کودک، مورد تأکید قرار می‌دهد و معتقد است معلم در تدریس نباید از اعتدال خارج شود بلکه باید گاه سخت‌گیری و گاه ارفاق کند. با این حال، سعدی، تأثیر مربی را در تعلیم و تربیت افرادی که نااهل هستند و ذات بد دارند، کان لم یکن می‌داند.

سعدی به نقش والدین در تربیت کودک تأکید دارد و بر این عقیده است که پدر باید فرزند را از هم‌نشین بد باز دارد و مواظب هم‌نشین و هم‌بازی او باشد.

منابع:

۱. احمدی، سیداحمد (۱۳۸۰). **اصول و روش‌های تربیت در اسلام**، اصفهان: دانشگاه اصفهان.
۲. ارجمند نیا، مرتضی. (۱۳۹۳). «بررسی راهکارهای تربیت اخلاقی در آثار سعدی». پایان‌نامه کارشناسی ارشد. قم: دانشگاه قم. دانشکده الهیات و معارف اسلامی.
۳. آزادی، محمد کریم (۱۳۷۳). **تعلیم و تربیت از دیدگاه سعدی**، تهران: راهگشا.
۴. باقری، خسرو (۱۳۷۴). **نگاهی دوباره به تربیت اسلام**، چاپ سوم، تهران: مدرسه.
۵. زرین کوب، عبدالحسین (۱۳۸۳). **یادداشت‌ها و اندیشه‌ها از مقالات نقدها و اشارات**، چاپ ششم، تهران: سخن.
۶. سعدی، مصلح‌الدین (۱۳۸۵). **کلیات**، تصحیح محمدعلی فروغی، ، چاپ اول، تهران: هرمس.
۷. سعدی، مصلح‌الدین (۱۳۸۷). **بوستان**، نگارنده اعتدال منوچهر آدمیت، چاپ اول، تهران: آتلیه هنر.
۸. سعدی، مصلح‌الدین (۱۳۷۷). **گلستان**، تصحیح و توضیح غلامحسین یوسفی، تهران: خوارزمی.
۹. شاتو، ژان (۱۳۸۸). **مربیان بزرگ**، ترجمه غلامحسین شکوهی، چاپ ششم، تهران: دانشگاه تهران.
۱۰. شریعتمداری، علی (۱۳۹۰). **روانشناسی تربیتی**، چاپ بیستم، تهران: امیر کبیر.
۱۱. صدیق، عیسی (۱۳۵۴). **تاریخ فرهنگ ایران**، چاپ هفتم، تهران: انتشارات دانشگاه تهران.
۱۲. فرمehنی فراهانی، محسن. (۱۳۷۸). **فرهنگ توصیفی علوم تربیتی**، تهران: اسرار دانش.
۱۳. قراملکی، احد فرامرز (۱۳۸۲). **اخلاق حرفه‌ای**، قم: مجنون.
۱۴. میرزا محمدی، محمدحسن (۱۳۸۴). **فارابی و تعلیم و تربیت**، تهران: یسپرون.
۱۵. یوسفی، غلامحسین (۱۳۷۸). **برگ‌هایی در آغوش باد**، ج ۲، چاپ سوم، تهران: انتشارات علمی.
۱۶. یونسکو کمیسیون ملی ایران (۱۳۷۳). «**ذکر جمیل سعدی**»، مجموعه مقالات هشتمین سالگرد تولد شیخ اجل در سال ۱۳۷۳.

